

از اوبامای مودب تا روحانی دوست داشتنی!

در حد فاصل سپتامبر ۲۰۱۳ که طی آن حسن روحانی بعد از تماس تلفنی با اوباما مبتلابه «مودب بینی اوباما» شد تا سپتامبر ۲۰۱۸ که اینک و این بار ترامپ در رویت سیمای روحانی «دوست داشتنی بودن روحانی» را کاشف شد، یک ویژگی مشترک مشهود است.

ظاهراً همان چیزی که در ۲۰۱۳ روحانی را به «مودب بودن اوباما» صرافت کرد اینک و در ۲۰۱۸ همان چیز توانسته ترامپ را به «دوست داشتنی بودن روحانی» دلالت کند!

نیاز تاکتیکی جهت موفقیت استراتژیکی همان چیزی است که در ۹۲ روحانی را برای موفقیت‌اش در گشایش مذاکرات هسته‌ای متوسل به چرب زبانی برای اوباما می‌کرد و اینک همان «نیاز» در ۹۷ و بمنظور گشایش بخت جمهوری خواهان در انتخابات کنگره، ترامپ را به شیرین بیانی برای روحانی مرتکب می‌کند.

اصرار ترامپ به نشست با روحانی ناشی از این واقعیت بود که ریس جمهور آمریکا و جمهوریخواهان در حال حاضر وضعیت نامساعدی در افکار عمومی آمریکا دارند و با حفظ همین وضعیت، شکست ایشان در انتخابات پیش روی کنگره تقریباً قطعی است مگر آنکه ترامپ در فرصت باقیمانده بتواند جهت تغییر افکار عمومی برگ برنده‌ای را بر روی میز بگذارد.

بر این اساس ترامپ تمایل داشت از فرصت حضور روحانی در نیویورک استفاده کرده و با ترتیب نشستی ولو از «موضع قلدرانه» و بدون توجه به نتایج آن نشست «صرف برگزاری آن نشست» را با این بسته بندی به افکار عمومی در آمریکا بفروشد که: توانستم همانند کره شمالی، ایران را نیز از موضع قدرت و با حربه تحریم، پای میز مذاکره بنشانم.

تا همین اندازه برای ترامپ کفایت می‌کرد تا از این طریق شاکله خود در باصره آمریکائیان را در قامت «رئیس جمهور مقتدر و موفق» بازتولید و بدینوسیله برای موفقیت جمهوریخواهان در انتخابات کنگره، گشایشی فراهم کند.

رویکردی که در کریدورهای سازمان ملل مورد وثوق لایه‌هایی از «سمپات‌های روحانی» نیز قرار داشت و ایشان نیز کوشیدند از استیصال ترامپ بهره برده و ضرورت نشست و امتیازگیری از ترامپ را به محافل تصمیم ساز نظام در داخل ایران پمپ کنند!

مقاله «نیاز روحانی و ترامپ به حرف زدن» منتشره در روزنامه نیویورک تایمز ۵ سپتامبر (Trump and Rouhani Need to Talk) در کنار انتقال پیام این مقاله به تصمیم سازان نظام از طریق «آقایانی» که در ایران به خوش نشینی در محافل سیاسی اشتهار دارند! آن هم بمنظور متقاعد کردن حکومت به ضرورت این نشست، جهد وافر بود که نهایتاً قرار بود به نشستی خصوصی بین روسای جمهور ایران و آمریکا و با دعوت و میزبانی دبیرکل سازمان ملل در حاشیه مجمع عمومی سازمان در نیویورک منجر شود.

(لینک مقاله نیویورک تایمز - <https://nyti.ms/2QkAZ23>)

ظاهراً همه چیز نیز بر وفق مراد بود جز آنکه در آخرین لحظه، تلاشی نئوکان‌های جنگ طلب (پمپئو - بولتون - هیلی) توانستند به لطف اتحاد استراتژیک شان با حکام ریاض و از طریق توسل به عملیات تروریستی ۳۱ شهریور در اهواز بموقع زیر میز آن نشست طراحی شده زده و با رادیکال کردن اتمسفر سیاسی بین «دولت منفعل ایران» و «ترامپ بیزینسمن آمریکا» توپ را کماکان در زمین «براندازان» نگاه دارند.

اظهارات ترامپ در رواق سازمان ملل و قبل از سخنرانش در مجمع عمومی مبنی بر آنکه «ایرانی‌ها می‌خواهند با من ملاقات کنند اما پیش از آن باید لحن خود را تغییر دهند» نشان از آن دارد «دوست داشتنی بودن روحانی برای ترامپ» طریقت داشت و نه موضوعیت و انقضای زود هنگام تاریخ مصرف آن «دوست داشتنی بودن» موید آنست که بدون لحاظ مومنتوم «تل‌آویو - ریاض - نئوکان» دست «ترامپ و سمپات‌های روحانی» برای بازی کردن در قمار سیاست چندان باز نیست.